

از لابلای نیشته های روزمره

مکثی برچون وچراهای حوادث کندز

غفلت یا سوء تفاهم

قبل از ذکر سایر موضوعات، این مسأله قابل یادآوری میباشد که تلاطم وقایع و حوادث در کندز به مرکز تقاطع و برخورد نیروها مبدل گردیده و توجه هموطنان عزیز را بخود معطوف داشت. موجودیت اشخاص، افراد و گروهها در میدان بازی کندز را به چه معیاری میتوان ارزیابی نمود؟ آیا ظهور و پیدایش حوادث در کندز بصورت ناگهانی و انفجاری صورت گرفت و یا عوامل و فاکتورهای دیگری در زمینه دخیل بودند؟

درگام نخست باید اظهار داشت که شهر کندز دارای ۳۰۰ هزار نفر جمعیت بوده، در شمال کشور موقعیت داشته و بگفته کارشناسان امور حربی، شهر و نواحی اطراف آن در اوضاع و احوال کنونی، از رهگذر نظامی، از اهمیت قابل ذکر استراتژی یک در امر مبارزه علیه طالب ها برخوردار نمیشد. توجه لازم وعمده دولت افغانستان، قبل از همه به امر مبارزه در دره های جنوب افغانستان بهدفع دفاع از کندهار و همچنان ممانعت از عبور جنگجویان از کوههای مناطق شرقی کشور بمنظور مدافعه از جلال آباد متمرکز گردیده است.

متذکر باید گردید که طالب ها در نیمه دوم ماه میزان سال روان موفق شدند شهر کندز را تصرف کنند، اما پس از سه روز توسط نیروهای دولتی افغانستان و با پشتیبانی نیروهای بین المللی از این شهر رانده شدند. اشغال کندز توسط طالب ها آنهم برای مدت زمان اندکی براین واقعیت صحه گذاشت که مبارزه همچنان ادامه دارد و با وجود فرار جنگجویان طالب، زد و خورد های پراکنده ای در منطقه متذکره همچنان جریان داشته وهم این مسأله را نیز عملاً به اثبات رساند که فاز جدید جنگ و برخوردهای مسلحانه آغاز گردیده و باید اظهار داشت که حوادث متذکره، بصورت مشخص، آزمایشی بود بر توانایی های نیروهای امنیتی افغانستان که از جانب ایالات متحده و ناتو، بخش اعظم مبارزه علیه دهشت افگنان، بر عهده آنها محول گردیده است.

در وضع کنونی، تهدید از شمال کشور متوجه کابل میباشد و همچنان خبرهایی از تصرف بعضی از

مناطق توسط طالب ها نیز بگوش میرسد. از جمله، اوضاع امنیتی در بغلان غیر مطمئن بوده و تحرکات طالب ها در ولایت های متذکره مشاهده میشود که باعث قطع راه های مواصلاتی کندز و بعضی از شهر های کلیدی شمال کشور با کابل میگردد. بدین ترتیب، نخستین پیامد اشغال کندز این خواهد بود که در حال حاضر، نیرو های امنیتی افغان باید بیش از پیش کلیه هم و نیروی خویش را به پوشش امنیتی شمال کشور اختصاص دهند.

علاوه بر این، در حمله سوم ماه اکتوبر هوایی ایالات متحده بر سفارخانه «دکتوران بدون مرز» که در نتیجه آن، حداقل بنعداد ۲۲ تن از افراد ملکی کشته و بنعداد ۳۷ نفر دیگر زخمی شدند، اساسی بمنظور تجدید نظر در عملیات نظامی و انجام تحقیقات جنایات جنگی توسط سازمان ملل متحد، این واقعه را عملاً باثبات رسانید که حتی در حالیکه در اراضی کشور، تعداد بیشمار نیرو های ناتو عملاً وجود دارند، اما با آنهمه، به مشکل بتوان از هوا، وارد نمودن ضربات بر اهداف زمینی را بدون هماهنگی با اینهمه نیروها، بصورت دقیق انجام داد.

نحوه سیر حوادث در کندز، ممکن اساساً باعث تغییر وضعیت عمومی کشور گردد. از آنجا که آنچه در کاغذ ترسیم میگردد و واقعیتی که در عمل بمنظور دفاع از افغانستان تکوین میپذیرد، شگاف و تفاوت عظیمی بمقیاس کشور و بخصوص در بخش های دوگانه دولت موجود میباشد، در گام نخست، مسأله امکانات نیرو های امنیتی افغانستان و در گام بعدی، امیدواری پوشش نیرو های یاد شده توسط ناتو، مطرح بحث میباشد. همچنان کندز و حوادث مربوط بدان، مسأله بررسی نتایج پروگرام های مربوط به تعلیم و تربیه نظامیان افغان و تلاش هایی که در زمینه صورت گرفت، را در دستور روز قرار میدهد. پس از بیرون راندن طالب ها از کندز، در تقویه مورال نیرو های مسلح امنیتی افغان افزون بعمل آمد. اما در عراق، با وجود حضور و موجودیت نیروها و قوت های بیشمار، تلاش های صورت گرفته در آن، با موفقیت آنچنانی همراه نبوده و موفق به حل و فصل اختلافات میان سنیها و شیعه ها نگردیده و معضلات قبایل موجود در آن کشور نیز در جایش باقیست، همچنان قادر نگردیدند تا اردوی نیرومندی در آن کشور تشکیل دهند تا در مبارزات علیه «دولت اسلامی» (داعش) به مقاومت و پایداری ارزنده ای که در خور شأن یک اردوی آموزش دیده میباشد، از خود دلیری و شجاعت نشان میدادند.

در مورد کشور عزیز چه باید گفت؟ سقوط شهری مانند کندز، مسلماً و بصورت کل، صلاحیت نیرو های امنیتی افغان و همچنان بصورت کل، مدل هایی را که بمنظور رشد و تقویه نیرو های مسلح در عراق و افغانستان بکار گرفته شد، مورد سوال قرار میدهد، در نهایت امر و سرانجام این سوال را باید مطرح نمود که آیا قوای ائتلاف با مصرف میلیاردها دلار و کشته شدن هزاران نظامی اش چه در عراق و چه در افغانستان، موفق به تشکیل و ایجاد اردو های ملی در کشورهای متذکره گردیدند؟

عمده ترین مسأله و مهمترین موضوع نه در مورد صلاحیت های قوای مسلح، بلکه در موارد چگونگی وضعیت و حالت موجود در ارگان های عالی رهبری کننده دولت کنونی افغانستان مطرح بحث میباشد، در این مورد است که زیاده ترین توجه و دقت درباره آن بخصوص از جانب متحدین بین المللی افغانستان باید صورت گیرد. اما این پرسش خلق میگردد که آیا اخلاق فاسد و کلام زننده تأثیرات ناگواری بجا نخواهد گذاشت؟

قابل یادآوری میباشد که مانند عراق در افغانستان نیز اردوی کشور از نحوه عملکرد افسران عالیمقام رنج میبرند که قبل از همه در فکرو اندیشه کسب منافع و موارد مادی و پولی برای خودشان میباشد تا منافع

جمعی و مصالح دولت و درصدد آن نیستند تا خطرات و اصل چگونگی وقایع را با سربازان در میان بگذارند، نگرانی عمده آنها را چنانچه گفته آمد، مسائل و موارد مادی و پولی منحصر بفرودشان تشکیل میدهد تا انجام رسالت و وظایفی که آنها موظف و مکلف به اجرای عملی آنها میباشند. بسیاری از مقامهای قوای مسلح کشور مورد خرید و فروش قرار میگیرد. اگر قوماندانها علاقمندی شانرا از قوای مسلح از دست داده و منافع منحصر بفرود خود را در مجموع تشکیلات یادشده مفقود شده میپندارند، کاملاً واضح و روشن است که در چنین یک وضعیتی دور از انتظار است تا سربازان با دلگرمی و علاقمندی و فداکاری به مبارزه و جنگ علیه مخالفان مسلح بپردازند. نه تنها مسأله فساد که سراسر دولت و جامعه ما را فراگرفته است، بلکه مشکلات مشابه بخصوص در مورد روحیه مبارزه بصورت مستقیم و بلاواسطه مرتبط با مسائل اخلاقی محسوب میگردد. همه ی اینها، بصورت مستقیم با موجودیت این واقعیت ارتباط دارد که بسیاری از اشخاص و افراد با ثبت نام در صفوف قوای مسلح کشور، بعوض داشتن احساس مشترک و وظیفوی، بدنبال دستیابی به امتیازات مادی و دریافت مدد معاش میباشند. آنها تا زمانی به تداوم موجودیت شان در صفوف قوای مسلح کشور ادامه میدهند که خانواده هایشان در خطر بسر میبرند، نبود و فقدان انگیزه در صفوف قوای مسلح کشور، مشکل دیگر است که به آن باید پرداخته شود.

غرب، مانند عراق، در افغانستان نیز اصلاً نمیداند با استفاده از چه راهها و وسایلی به حل و فصل قضایای متذکره بپردازد. البته ناتو در وضعیتی قرار دارد که باید به ساحه مأموریت آموزشی منسوبان قوای مسلح افغانستان وسعت بخشد، چنانچه ایالات متحده، اینکار را چندی قبل در عراق انجام داد، اما این بخودی خود نحوه ساختاری معضلات را تحت تأثیر قرار نمیدهد، موجودیت فساد در داخل ارگانهای سیستم، اصل عدم اعتماد سربازان افغان را به رهبری شان موجب میگردد. اینکه چطور روش جداگانه در افغانستان، بصورت یک کل مورد بازبینی قرار گیرد، مسأله دیگر است.

جاگزینی واحدهای لوژستیکی که از اهمیت بسزایی برخوردار است، در اینجا غائب میباشد. روحیه و مورال جنگی را نمیتوان با موارد مادی خرید و بدست آورد. آنچه که ما در عراق شاهد آن بودیم، نشاندهنده این امر میباشد که ایالات متحده از نقش و نحوه عملکرد نیروهای شبه نظامی در آن کشور رضایت ضمنی داشت، نیروهای یادشده در وضع کنونی سنگینی مبارزه و نبرد را علیه «دولت اسلامی» (داعش) بدوش دارند. البته رویکرد مشابه، بصورت کل با سازشهای سیاسی موجود ارتباط مستقیم دارد. نیروهای شبه نظامی مردمی در افغانستان با وجود آنکه در بعضی موارد تخلفاتی از جانب آنها صورت گرفته است، ممکن بسیار موثرتر عمل نموده و مفید واقع گردند.

در نتیجه میتوان گفت که اصل سخن در این واقعیت نهفته است که معضلات سیاسی را نمیتوان با کاربرد قوه و استفاده از زور حل و فصل نمود، مسائل سیاسی راه حل نظامی ندارد. امکان وزمینه خوب و مساعد برای نیروهای ناتو عبارت از این خواهد بود تا ضمانتهای لازمی را بدست آورند که طالب ها از کاربرد قوه برضد اهداف ملکی و افراد عادی کشور و از جمله برتأسیسات غیرنظامی دولتی انصراف ورزند، کاین خود، باعث ایجاد توازن قوا شده و به مذاکرات خواهد انجامید. اما متذکر باید گردید که در عمل، ضرورت موجودیت و طرح پلان و پروگرام تنظیم شده در مورد، از جمله مهمترین مسائل مطرح میباشد. ذکر این مهم نیز قابل یادآوری میباشد که باید پوسته های امنیتی از طریق هوا اکمال گردیده و فعالیتهای کشفی و استخباراتی بنحوه وسیع و دامنه داری صورت گیرد تا با اکمال پوسته های امنیتی قوای مسلح کشور و گردآوری اطلاعات دقیق، پلانهای عملیاتی تهیه و تدوین گردیده و مطابق آن، پروگرامهای

محاربه‌ی سازماندهی و اجرا گردد. پس از آن، ایالات متحده و ناتو باید با استفاده از چنین حالت، هم بر حاکمیت کشور بمنظور انجام ریفورمها و همچنان بر کشور همجوار افغانستان (پاکستان) با استفاده از وسایل وامکانانی که در اختیار دارد، فشارهایش را دوچندان سازد تا کشور اخیر الذکر از پشتیبانی، تجهیز و تمویل مخالفان مسلح حاکمیت ملی افغانستان خودداری ورزد.

عمده ترین سوال در مورد، عبارت از این میباشد که پلان متذکره، قبلاً بر روی کاغذ ترسیم شده و زمانیکه ناتوانی کندز عملاً بمشاهده رسید، ناتو پلان متذکره را از قوه بفعول مبدل نمود. در کاغذ و نیشته بما گفته میشود که نیروهای امنیتی کشور به ۳۵۰ هزار نفر بالغ میگردد که در حدود ۷ هزار نفر از آنها در کندز مستقر میباشند. ارقام ارائه شده را بمشکل بتوان پذیرفت، چه، کندز توسط چند صد نفر از جنگجویان طالب ها اشغال گردید. در کندز پوسته های امنیتی بیشماری وجود داشت، در این پوسته ها همه سربازان افغان مستقر بودند، هیچ شخص و نیرویی از نظامیان خارجی مستقر در افغانستان، در پوسته های یادشده وجود خارجی نداشتند. یادآور باید شد که ناتو در امر تأمینات پوسته های یادشده از طریق هوا و با استفاده از هواپیماها مشکل داشت. همچنان بدون هماهنگی با نیروهای زمینی مستقر در افغانستان، تعیین و تشخیص اهداف و تحت هدف قرار دادن آنها نیز معضله و مشکل دیگریست که نظامیان ناتو با آن مواجه میباشند، از جانب دیگر، کشتار اهالی بی دفاع ملکی در اثر بمبارانهای هوایی قوای ناتو در افغانستان، جهت دیگر مشکل کار در کشور ما محسوب میگردد.

حوادث کندز با وضوح کامل این مسأله را باثبات رسانید که طالب ها ممکن قادر به اشغال بزرگ شهرهای افغانستان باشند و اما، این واقعیت را همگان درک کردند که توان و نیروی رهبری و اداره حتی یک شهر هم نزد آنها غائب میباشند، چه رسد به اداره و کنترل و رهبری یک ولایت و یا درکل، رهبری افغانستان که در اینمورد به بحث جداگانه ای باید پرداخت. نباید جنگهای طالب ها را با مبارزات پارتیزانها مقایسه نمود، بلکه فعالیتهای آنان را باید بمنابا اقدامات تروریستی مورد بررسی قرار داد.

بنأء، در اوضاع کنونی، در عمل، این در نوع خود بمنابا لحظه و مقطعی است مهم که اگر غرب نمیخواهد تا شهرهای دیگر کشور سقوط نموده، نظم و ثبات در آنها برهم خورده و شیرازه زندگی مردمان محل سقوط نماید، پس همین اکنون، همین حالا باید موقف و رویکردش را در مورد تغییر داده و به طالب این موقع و فرصت را ندهد تا به تجدید نیرو و آرایش قوا پرداخته و با شدت و حدت بیشتری به اقدامات تروریستی مبادرت ورزد، چنانچه در عراق «دولت اسلامی» (داعش) به چنین اقدامی موفق گردید. به طالب ها نباید فرصت داد تا ابتکار عمل را بدست گیرند.

البته میتوان گفت که بصورت موازی، سقوط کندز با سقوط موصل در عراق که طی سال پار صورت گرفت، تشابهاتی وجود دارد، سقوط شهر متذکره در حالی بود که با شدت نبرد و جنگ در موصل، نیروهای مسلح عراقی از مواضع شان که در حال فرار بودند، با نیروهای بیشماری از «دولت اسلامی» (داعش) برخوردار نمودند. اما یادآور باید شد که چنین مقایسه ای، عادلانه بنظر نمی رسد. متذکر باید گردید که بمقیاس نیروهای قوای مسلح عراقی در موصل، نیروهای امنیتی افغان، مبارزه سرسختانه ای را علیه طالب ها انجام دادند. از سال ۲۰۱۲، بمقایسه نیروهای ائتلاف، قوای مسلح افغانستان متحمل تلفاتی گردیدند. تعداد قربانیان نفرات و منسوبان قوای مسلح افغانستان طی سال ۲۰۱۴، بصورت قابل توجهی افزایش حاصل نمود (در حدود ۵ هزار کشته)، اما در نیمه نخست سال ۲۰۱۵، نیز بهمین تعداد، قربانیان قوای امنیتی افغان (بدون تعداد زخمی ها) به ثبت رسیده است. همچنان قابل یادآوری

میباشد که تعداد مجموعی کشته شدگان نیروهای بین المللی مستقر در افغانستان، از سال ۲۰۰۱ تاکنون بتعداد ۳۵۰۰ نفر میرسد.

با در نظر داشت کلیه موارد ذکر شده، یادآوری می‌گردد که اکنون کلیه هم و توجه به نحوه تشکیل قوای امنیتی و چگونگی ساختار حاکمیت کنونی افغانستان باید متمرکز گردد که این خود در گام نخست، متوجه اشرف غنی، رئیس جمهوری و عبدالله عبدالله، رئیس اجرایی می‌گردد تا بصورت عاجل مقامات ناشایسته را از کار برکنار نموده و بعوض آنها اشخاص و افراد صادق و شایسته را بکار بگمارند. آیا آنها به اینکار اقدام خواهند ورزید؟ بگمان اغلب که جواب در این مورد منفی میباشد. با موجودیت ضد و نقیض گویی های فراوان میان رهبران دوگانه دولت کنونی افغانستان، چندی قبل کندز سقوط نمود. چنین پیشبینی می‌گردد که ممکن پس از واقعه متذکره، جنوب کشور به بحران سیاسی مواجه گردد. کندز در میدان بازی افغانستان، حیثیت قاطع و تعیین کننده نداشته، بلکه ناآرمیهای آن عمدتاً بمنظور انتقال ناامنی و گسترش بنیادگرایی به آسیای میانه، سازماندهی گردیده است. اما نباید از نظر دور داشت که شورشها و ناآرامیهای در جنوب و در شرق کشور نیز مانند آتش زیر خاکستر موجود میباشد که دولت افغانستان باید به استقرار اوضاع در کشور پرداخته و اقدامات لازمی و ضروری را بمنظور جلوگیری از اشتعال این ناآرامی ها در مناطق متذکره، اتخاذ نموده و در تماس نزدیک با قبایل و اقوام موجود در این مناطق، بمنظور خارج شدن از بن بست کنونی اقدام نماید.

متذکر باید گردید که اگر رهبران افغانستان از فساد گسترده در دولت جلوگیری ننموده و جلو سوو استفاده جویان را حتی در مرکز کشور سد ننمایند، بزودترین فرصت، بیرق سفید بر فراز کندهار به اهتزاز در خواهد آمد.

نزد هم ماه اکتبر سال ۲۰۱۵